

هفت اورنگ: ابراهیم میرزا

مهدی حسینی

از میان دیوان‌ها و شاهنامه‌های مصور موجود در تاریخ نگارگری ایران شاید پس از دیوانه خواجوی کرمانی، شاهنامه بایسنغری، شاهنامه شاه تهماسبی و خمسه نظامی، هفت اورنگ جامی از اعتبار منحصر به فردی برخوردار باشد.

مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی در سال ۸۱۷ هـ ق. در خرگرد جام (خراسان) متولد شد و در سال ۸۹۸ هـ ق. در هرات از دنیا رفت. وی به مناسبت محل تولد و نیز ارادت‌ی که به شیخ الاسلام احمد جامی (متوفی به سال ۵۳۶ هـ ق.) داشت، "جامی" تخلص می‌کرد.

زمان فعالیت جامی مقارن است با زمان امارات سلطان حسین بایقرا (۹۱۱ - ۸۷۲) و وزیر هنردوست و با تدبیرش امیر علی شیر نوایی (۹۰۶ - ۸۴۴ هـ ق.).

از آثار مشهور جامی، افزون بر قصاید غزلیات و مرآتی (که تعداد آنها به چهل و پنج می‌رسد) هفت اورنگ است. جامی هفت اورنگ را در قالب مثنوی و بین سال‌های ۸۹۲ - ۸۷۵ تصنیف نمود. جامی مقدمتاً پنج مثنوی به سه اسلوب خمسه نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی تألیف نمود. سپس دو مثنوی دیگر بر آن افزود و آن راهفت اورنگ نامید. در مقدمه برخی از نسخ آمده است:

این هفت سفینه در سخن یک رنگ‌اند
وین هفت خزینه در گهر همسنگ‌اند
این هفت برادران برین چرخ بلند
نامی شد در زمین به هفت اورنگ‌اند
هفت اورنگ شامل هفت مثنوی به تقلید از خمسه نظامی و به قرار زیر است:

"سلسله الذهب"، شامل سه دفتر:

دفتر اول، ۱۵۵۶/۹۶۳، مشهد، راقمه: مالک



که امام فخر رازی و خواجه نصرالدین طوسی بر اشارات شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا نوشته اقتباس نموده است. جامی "سلامان" را مشتق از سلامت دانسته و اظهار می‌کند:

چون ز هر عیش سلامت یافتند
از سلامت نام او بشکافتند

سالم از آفت تن و اندام او
ز آسمان آمد سلامت نام او
در عین حال گفته شده است که منظور از "ابسال" صورت خیالی مشاهده زهره است که جامی تلاش می‌کند تا "سلامان" اندک اندک مستعد مواجهه با آن باشد.

گاه‌گاهی چون سخن پرداختی
وصف زهره در میان انداختی
زهره گفتنی شمع جمع انجم است
پیش حسن او همه خوبان گم است
تا آنجا که می‌گوید:

این سخن چون بارها تکرار یافت
در درون آن میل را بسیار یافت
چون زوی دریافت آن معنی حکیم
کرد اندر زهره تأثیری عظیم
تا جمال خود تمام اظهار کرد
در دل و جان سلامان کار کرد

- تحفة الاحرار" (حاوی سه نگاره). مثنوی است تعلیمی و ظاهراً هدف از تصنیف این مثنوی تحفه به آستان خواجه احرار است. کتاب شامل ۲۰ (بیست) مقاله است:

- ۱- در آفرینش.
- ۲- در بیان آفرینش آدم.
- ۳- در بیان سعادت اسلام.
- ۴- در نمازهای پنج‌گانه.
- ۵- اشاره به رمضان و فضیلت.

دیلمی.

دفتر دوم، ۱۵۵۷/۹۶۴، مشهد راقمه: مالک

دیلمی.

دفتر سوم، ۱۵۵۹/۹۶۶، قزوین، راقمه: مالک

دیلمی.

- "سلامان و ابسال" ۶۱/۹۶۸ - ۱۵۶۰ م. راقمه:

عیسی ابن عشرتی .

- "تحفة الاحرار" ۱۵۵۶/۹۶۳ م. راقمه: رستم علی.

"سجة الابرار" ۱۵۵۶/۹۶۳ م. مشهد، راقمه: شاه

محمود نیشابوری.

- "یوسف و زلیخا"، ۱۵۵۷/۹۶۴ م. مشهد، راقمه:

محب علی.

- "لیلی و مجنون"، ۱۵۶۵/۹۷۲ م. راقمه: محب

علی

- "خردنامه اسکندری"، ۷۲ - ۶۵/۹۶۳ - ۱۵۵۶ م.

- "سلسله الذهب" (حاوی شش نگاره). ظاهراً بین

سال‌های ۸۷۳ ه.ق. و ۸۷۷ ه.ق. در سال جلوس سلطان

حسین بایقرا سروده شده است. این مثنوی مفصل به

مباحث عرفانی و اخلاقی می‌پردازد و مشتمل بر شرح

آیات و احادیث است. در وجه تسمیه آن جامی نوشته

است:

آن نه رشته سلاسل ذهبت

نام رشته بر آن نه از ادبست

بهر شیران بود سلاسل زر

هر که شیرست از آن نییچد سر

- "سلامان و ابسال" (حاوی دو نگاره). احتمالاً در

سال ۸۸۵ ه.ق. تألیف شده است. مثنوی ست تمثیلی و

بیت اول آن چنین آغاز می‌شود:

ای بیادت تازه جان عاشقان

ز آب لطف تر زبان عاشقان

از تو بر عالم فتاده سایه

خوبرویان را شده سرمایه

حکایت "سلامان و ابسال" را جامی از دو شرحی

- ۶- در اشارت به زکوة.
- ۷- در اشارت به زیارت بیت‌الحرام.
- ۸- در عزلت.
- ۹- در اشارت به سکون.
- ۱۰- در اشارت به سپهر.
- ۱۱- در نشان صوفیان.
- ۱۲- در شرح حال علمای ظاهر.
- ۱۳- در مخاطبه سلاطین.
- ۱۴- در اشارت به حال دبیران و وزیران.
- ۱۵- در صفت پیری.
- ۱۶- در شرح جوانی.
- ۱۷- در اشارت به حسن و جمال.
- ۱۸- در اشارت به عشق.
- ۱۹- در حسب حال شعرای خام طمع.
- ۲۰- در پند فرزند خویش ضیاء‌الدین یوسف.
- "سجدة الابرار" (حاوی پنج نگاره). مثنوی است اخلاقی و عرفانی که به چهل "عقد" (موضوع، سخن، حکایت) تقسیم شده است: می‌رسد عقد عقودش به چهل هر یک از دل گره جهل کسل در این چهل "عقد" یا سخن، داستان یا توصیف یکی از فضایل نفسانی که مخاطب آن انسان است، آغاز و به مناجاتی لطیف از درگاه الهی خاتمه می‌یابد. به گفته محققین این مثنوی بسیار لطیف و دارای وزنی دلپذیر در مجموعه هفت‌گانه اورنگ جامی است.
- "یوسف و زلیخا" (حاوی شش نگاره). جامی مثنوی "یوسف و زلیخا" را در سال ۸۸۹ ه.ق. در مدت یک سال سرود. مثنوی است عشقی به طرز خسرو و شیرین نظامی، و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، با مطلع:
- الهی غنچه امید بگشای
گلی از روضه جاوید بنمای
- بخندان از لب آن غنچه باغم
وزین گل عطر پرورکن دماغم
- جامی در این مثنوی به سوره مبارکه "یوسف" (ع)، دوازدهمین سوره از قرآن کریم نظر دارد. داستان "یوسف و زلیخا" از جذاب‌ترین مثنویات جامی در مجموعه هفت‌اورنگ است و شهرت بین‌المللی دارد. - "لیلی و مجنون" (حاوی سه نگاره). این مثنوی نیز منظومه پرشور و پر راز و رمز عاشقانه‌ای است به طرز لیلی و مجنون نظامی و لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی که به سال ۸۸۹ سروده شده است. جامی در این زمینه اظهار می‌دارد:
- سرچشمه لطف بود لیکن
زان تشنگیم نگشت ساکن
- مرغ دل من ز جای دیگر
می‌خواست زند نوای دیگر
- چون قرعه زدم به فال میمون
افتاد به شرح حال مجنون
- هرچند که پیش از آن دو استاد
در ملک سخن بلند بنیاد
- از گنجه چو گنج این گهریز
وز هند چو طوطی آن شکر ریز
- من نیز به فاقه ناقه راندم
خود را به غبارشان رساندم
- "خسردنامه اسکندری" (حاوی سه نگاره). منظومه‌ای آموزشی در حکمت و اخلاق که جامی آن را حدود سال ۸۹۰ ه.ق. تصنیف کرد. این مثنوی با مطلع زیر آغاز می‌شود:
- الهی کمال الهی‌تر است
جمال جهان پادشاهی‌تر است
- جمال تو از وسع بینش برون
کمال از حد آفرینش برون
- در این مثنوی جامی از کھولت و فرسودگی خود شکایت کرده و ضمن آن گفته است:

جوانی که با دل سیاهی گذشت

به موی سیاه در تباهی گذشت

سیه‌مویی از من چو برتافت روی

تو هم از دل من سیاهی بشوی

ز موی سپید خود اندر حجاب

کنم از سواد دل آن را خضاب

گرفتم که در دل شود مو سیاه

چگونه کنم راست پشت دو تا

"خردنامه اسکندری" با این ابیات درخشان از نظم

فارسی پایان می‌یابد:

بیا ساقیا جام دلکش بیار

می‌گرم و روشن چو آتش بیار

که تال لب بر آن دلکش نهم

همه ملک و دفتر بر آتش نهم

بیا مطربا تیز کن چنگ را

بلندی ده از زخمه آهنگ را

که تا پنبه از گوش دل برکشیم

همه گوش گردیم و دم درکشیم

هفت اورنگ جامی که اکنون در مجموعه فریز در

واشنگتن دی. سی. نگاهداری می‌شود، دارای ۲۸

(بیست و هشت) تصویر به ابعاد ۲۱۸×۱۳۰ مم است که

در قالب مکتب تبریز به تصویر درآمده است. کتابت

این مجموعه نفیس در سال ۹۶۳ ه.ق. به سفارش

ابراهیم میرزا در مشهد آغاز شد و در سال ۹۷۲ ه.ق.

(جمعاً به مدت نه سال) در هرات به اتمام رسید.

ابراهیم میرزا (۹۸۴ - ۹۶۴ ه.ق) پسر بهرام میرزا

(برادر شاه تهماسب صفوی) و مادرش زینب سلطان از

اهالی شیروان بود. ابراهیم میرزا بسیار مورد توجه شاه

تهماسب بود و وی از "شعور و درایت" ابراهیم میرزا

احساس غرور می‌نمود و در تربیت وی برای اداره امور

کشور و نیز آموزش و ترغیب وی به امور هنری

(نگارگری) و ادبیات تلاش فراوان نمود و به همین

منظور، معصوم بیگ صفوی، از اعضای دیوان اعلا را

لله و فیم وی قرار داد.

همسر ابراهیم میرزا، گوهر سلطان خانم، دختر شاه

تهماسب بود. و در حقیقت وصلت خانوادگی و ازدواج

دختر عمو با پسرعمو بود. هنگام ازدواج ابراهیم میرزا،

مدتی بود که از آغاز کتابت **هفت اورنگ** گذشته بود و

بسیاری از مفسرین هنری معتقدند مجالسی نظیر:

"ورود زلیخا به پایتخت مصر" و یا "مجلس بزم

حضرت یوسف (ع)"، در **هفت اورنگ** بی‌ارتباط با

پیوند زناشویی ابراهیم میرزا با گوهر سلطان خانم نبوده

است. ابراهیم میرزا در سال ۹۸۴ ه.ق. پس از روی کار

آمدن اسماعیل دوم، پادشاه صفوی، به دستور وی به

قتل رسید. تعداد صفحات **هفت اورنگ** ابراهیم میرزا

۳۰۰ (سیصد) برگ و به خط نستعلیق نگارش شده

است و شیوه کار، همان‌گونه که اشاره شد در قالب

مکتب تبریز است. مکتب تبریز در تقابل با مکتب

هرات که بیشتر از فضاهای هندسی، لایه‌های خاکستری

رنگ و نیز وقار و ایستایی منحصر به فردی استفاده

می‌کند، دارای تحرک فزون‌تر، رنگ‌های درخشان‌تر و

پویایی بیشتر است. اگر واژه ایستا بتواند مبین ترکیب

بندهای مکتب هرات باشد، به طور قطع واژه پویا مبین

اغلب ترکیب بندهای مکتب تبریز است. این عامل

(پویایی) مانند خط مرتبطی، تمام ۲۸ (بیست و هشت)

مجلس **هفت اورنگ** ابراهیم میرزا را، مانند گردش یک

اسلیمی، به هم پیوند می‌دهد و از آن (با وجود تنوع

مضامین) مجموعه‌ای هماهنگ و یک دست می‌سازد.

هر بیست و هشت تصویر **هفت اورنگ** فاقد امضا

هستند. و احتمال دارد اغلب هنرمندانی که **شاهنامه**

شاه تهماسبی را شکل بخشیدند و به ثمر رساندند،

همان نگارگرانی نیز باشند. که نگاره‌های **هفت اورنگ**

را مصور ساخته‌اند مانند: میرزاعلی، شیخ محمد و آقا

میرک. ولی با توجه خاتمه کتاب نه (۹) قسمتی **هفت**

اورنگ، خوشبختانه نام خوشنویسان و کاتبان آن

مشخص است، که عبارتند از:

- شاه محمود نیشابوری

- رستم علی

- محب علی

- مالک دیلمی

- عیسی ابن عشرتی

- سلطان محمد خندان

و عبدالله شیرازی، علی اصغر و شیخ محمد که سه نفر اخیر علاوه بر خوشنویسی، نگارگر نیز بوده‌اند.

از نگاره‌های درخشان "سلسله الذهب"، نگاره "درویش و جوان در حمام"، به ابعاد 234×345 م و متعلق به ۷۲-۹۶۳ ه.ق. است. نخستین عاملی که در این تصویر بیننده را بی‌درنگ به حیرت وامی‌دارد، در هم شکستن قالب از پیش تعیین شده نگاره است.

چنانچه به دقت به سمت چپ تصویر توجه شود، مشخص می‌گردد که چهارچوب از پیش تعیین شده نگاره توسط نگارگر درهم شکسته شده و از این طریق، ضمن استفاده مفیدتر از فضا، عامل مهمی که همواره در نگارگری سنتی ایران حایز اهمیت بوده است. یعنی هم

زمانی، تقویت شده است

با این تمهید نگارگر، علاوه بر سربینه و اندرون حمام، فضای بیرون حمام، نظیر سر در ورودی و نیز اسب و تیماردار آن را که منتظر مراجعت اربابش است، در تصویر گنجانیده است. نگارگر با این "خط شکنی" عامل زمان را در تصویر لحاظ نموده است و بیرون درون اندرون به طور هم زمان و با هم در تصویر جای

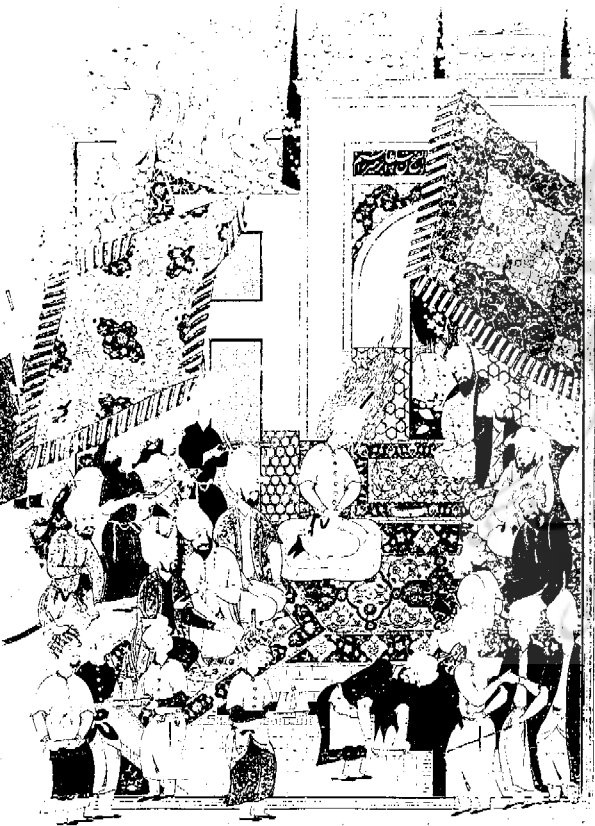
داده شده است. موضوعی که قرن‌ها بعد در نقاشی غرب، دقیقاً از اوایل سده بیستم، در هنرهای تجسمی پدیدار گشت. نقاشی غربی تا این زمان، در قالب چهارچوب محدود می‌شود. هنرمند جرأت در هم شکستن و فرارفتن از آن را در خود احساس نمی‌کند.

از یک زاویه دید، لحظه، نور و زمان به موضوع می‌نگرد و بدون اندک حرکتی، در فضای ثابت خود، فضای مورد نظرش را، تجسم می‌بخشد. برعکس، نگارگر



ایرانی، قالب و چهارچوب را در هم می‌شکنند، و با درایت شفاف‌اش نسبت به فضا، و به طور هم‌زمان، از بالا، پایین، روبه رو و جانب به موضوع می‌نگرد، و متناسب با نیاز فضا و مضمون بخش‌های مختلف تصویر را با هم می‌آمیزد و از آن دنیایی متعالی در سطح دو بعدی می‌آفریند. از سوی دیگر ویژگی‌های نگاره، فضای روشن، سبک و سیال اندرون حمام در تقابل با فضای رنگین و پرنقش و نگار سربینه است که در قسمت بالایی نگاره قرار گرفته است. در قسمت سربینه تمام پیکره‌ها، به استثنای یک فرد، پوشیده‌اند، و برعکس در قسمت اندرون حمام تمام پیکره‌ها، به استثنای یک فرد، که لباس پوشیده است، برهنه هستند. فضای سربینه، از طریق عدم تطابق و استمرار خط‌های عمودی نگاره با اندرون حمام ارتباط می‌یابد. و فضای بیرون نگاره با سربینه توسط ساعد نارنجی رنگ فردی که از هشتی وارد سربینه می‌شود پیوند می‌یابد. پشت بام نیز از طریق لنگ‌هایی که برای خشک شدن آویزان شده‌اند با قسمت اصلی پیوند می‌خورد. صرف‌نظر از محتوای عرفانی داستان این نگاره، بیننده با تصویری روبه رو می‌شود که کلیه موازین پیشرو یک تصویر معاصر در آن جای دارد.

مضمون این داستان در "سلسله الذهب" به این ترتیب است که درویشی عاشق جوانی می‌شود. جوان برای اصلاح و حمام به گرمابه می‌رود و در آنجا موی سر می‌سترد. درویش (بیکر سپید موی سمت چپ نگاره) برای جلب توجه معشوق شروع به جمع‌آوری موهای اصلاح شده در مشربه همراه خود می‌کند. ولی جوان نسبت به او بی‌اعتنا است. با او از گرمابه خارج می‌شود و به خود جرأت داده سؤال می‌کند چرا توجهی به او ندارد. جوان پاسخ می‌دهد که او به چیزهای زنده توجهی ندارد. درویش در دم جان می‌سپارد، غافل از اینکه بداند، منظور جوان از این کلام، توجه مطلق وی به خالق یکتا است.



"مجلس بزم حضرت یوسف (ع)" هفت اورنگ
جامی. اندازه ۲۳۴ × ۳۴۵ مم.

این نامه که یوسف و زلیخاست بنام

خطش چو خم زلف بتان غالیه فام

نقشش چو لب سبز خطان رنگ آمیز

نظمیست که می‌رساند از وحی پیام

پس از سال‌ها فراق "یوسف و زلیخا" به امر حق

تعالی به هم می‌رسند. زلیخا که در این مدت فرتوت و

فسرده شده است با معجزه حضرت یوسف (ع) زیبایی

و طراوت جوانی‌اش را باز می‌یابد و پروردگار، از طریق

جبرئیل، اجازه ازدواج آن دو را، به قانون خلیل و

یعقوب، صادر می‌نماید:

به قانون خلیل و دین یعقوب

بر آیین جمیل و صورت خوب

زلیخا را به عقد خود درآورد

به عقد خویش یکتا گوهر آورد

در این نگاره نیز مانند اغلب نگاره‌های سنتی ایران

این هندسه است که نقش اصلی را در ترکیب‌بندی ایفا

می‌کند. سطوح هندسی: عمود، افقی، اریب و دایره‌وار

گاهی سرد، زمانی گرم، در بخشی منقوش و در قسمتی

مزین به آجرچینی، گره‌بندی و یا کاشی‌کاری سر تا پای

این نگاره را پوشانده است. نگارگر بی توجه به

چهارچوبی که جدول‌ساز برای او پیش‌بینی نموده

است، در هر بخشی که لازم دیده است، قالب جدول را

در هم شکسته و از ورای آن درخت سروی، کوهی،

سایه‌بان چادری و یا هیکل انسانی را به بیرون رانده

است.

حضرت یوسف (ع)، برخلاف دیگر نگاره‌های

سنتی، این بار در مرکز نگاره قرار گرفته است و انوار

نبوی، در قالب پیچان نورهای طلایی، به دورجمال

حضرتش، در حرکت است.

حضرت یوسف (ع) از نظر استقرار به صورت

منفرد در کانون تصویر است (موضوعی که نقاشی

سنتی ایران کمتر به چشم می‌خورد). زلیخا در پرده

حضور ندارد و بنا بر سنت و به دستور حضرت یوسف

(ع) به حجله‌گاه رفته است. مشایخ، بزرگان و خدمه که

برخی از آنها خنچه قند در دست دارند، در سمت چپ

به صورت دو ردیف اریب و در سمت راست به

صورت یک حرکت نیم دایره در اطراف حضرت

یوسف (ع) قرار گرفته‌اند. حالت، حرکت و نقطه تماس

این اندام در پیوند با سطوح هندسی نگاره در

سنجیده‌ترین مکان خود نشسته‌اند و از نظر تناسب در

تصویر فضایی را به هم آمیخته است که اجازه کمترین

دخل و تصرفی، در ذهن، نمی‌توان برای آن تصور

نمود. همان‌گونه که حضرت یوسف در نگاره یگانه

است، پرنده منفردی، که شاید نمادی از وحی الهی

است، در منتهی‌الیه سمت چپ نگاره به سوی حضرت

یوسف (ع) در پرواز است. یگانگی حضرت یوسف

(ع) در نگاره از این طریق بازتاب می‌یابد و بدین

ترتیب از انفصال در تصویر اجتناب می‌شود. هر چند

تاریخ دقیق زمان ازدواج ابراهیم میرزا با گوهر سلطان

خانم (دختر شاه تهماسب) روشن نیست، و مورخین

احتمالاً زمان پیوند را بین ۹۶۴ تا ۹۶۷ ه.ق. می‌دانند،

برخی بر این عقیده‌اند، که با توجه به کتیبه‌ای که دقیقاً در

بالای سر حضرت یوسف (ع) قرار گرفته است، و به

خط نستعلیق عبارت: "ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا" بر

آن نقش بسته است، زمان این نگاره (با توجه به

مضمون)، مقارن با زمان ازدواج ابراهیم میرزا، سفارش

دهنده هفت اورنگ، با گوهر سلطان خانم، دختر شاه

تهماسب صفوی، باشد.

نخستین دیدار "لیلی و مجنون"، هفت اورنگ

جامی ۲۳۴×۳۴۵ مم.

ساختار کلی این نگاره را مجموعه‌ای از فرم‌های

مثلثی یا مخروطی شکل تشکیل داده است. شتر و

فردی که در بالای آن ایستاده است، چادر نخست که

نقوش درون آن پوشیده از اندام فرشتگان است. چادر

لیلی که قسمت بیرون آن با نقش جدالی سیمرخ و اژدها پوشیده شده است، چادر خاکستری رنگ کودک و پیرمرد و بالاخره صخره‌های منتهی‌الیه سمت راست نگاره که می‌توان آن را در قالب یک مثلث یا مخروط خلاصه کرد.

این گونه ساختار در ترکیب‌بندی، چنانچه با دانش و آگاهی از زبان تصویر همراه نباشد، می‌تواند ترکیبی کسل‌کننده و یا حداقل کم‌تأثیر در ذهن بیننده ایجاد کند. ولی با ابتکار عملی که نگارگر در جای جای تصویر از خود به جا گذاشته است، هرگونه فضا یا شکل ناهنجاری را که می‌توانست به ساختار تصویر خدشه وارد سازد، از آن دور نگه داشته است.

چادر نخست با نقوش فرشتگان سرشار از حرکت گشته و با نقوش هندسی روشن (آبی و سفید)، که از نظر سازمان‌بندی متضاد نقوش درون آن است، دور گرفته شده است. چادر زرشکی رنگ لیلی که با نقوش حیوانات افسانه‌ای (سیمرخ، اژدها) و حیوانات وحشی (شیر، شغال، روباه) پوشیده شده است و برای اجتناب از حرکت نامطلوب مخروطی شکل بالای آن در چهارچوب تصویر، آویز و یا پرده ورودی انتهایی آن را روی رأس چادر برگردانده است. چادر نهایی با نقوش اسلیمی پوشیده شده و درون آن با رنگ خاکستری، که تحول چندانی ندارد، رنگ آمیزی شده است. برای تعدیل شکل صخره‌ها، مجموعه آنها را در قالب‌های کوچکتر تجزیه کرده و برای جلوگیری از حرکت چشم به بیرون کادر تصویر، در منتهی‌الیه آن، درخت بیدی قرار داده است که با برگردان ساقه‌های آن به داخل تصویر، چشم بیننده مجدداً در داخل تصویر به جولان درمی‌آید. نقطه‌های تماس عناصر با یکدیگر، محل استقرار پیکرها و اشیاء در نهایت خلوص با یکدیگر، همراه گشته و در مجموع فضایی آفریده شده است که ضمن بیان داستان، برای بیننده ناآشنا به موضوع نیز، اثری قابل تأمل و اندیشگون است.



سرانجام هفت اورنگ ابراهیم میرزا

اسمیت سونیان، واشنگتن دی. سی. قرار داد و هم‌اکنون نیز مجموعه کامل هفت اورنگ ابراهیم میرزا در این موسسه قرار دارد.

فهرست منابع:

- حکمت، علی اصغر. نورالدین عبدالرحمن جامی، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۰
- مدرس گیلانی، مرتضی. هفت اورنگ جامی، تهران، انتشارات کتاب‌فروشی سعدی، بی‌نا.
- منشی، قاضی میراحمد، گلستان هنر، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.

منابع خارجی:

- Canby, S.R. *Pesian Painting*, London: British Museum, 1993.
- Simpson, M. s. *Sultan Ibrahim Mirzas, Haft Awrang*, New Haven: Yale University press, 1997.
- Soudavar, Abolala. *Art of the Persian Courts*, New York: Rizzoli, 1992.
- Welch, S. C. *Royal Persian Manuscripts*, London: Thames and Hudson, 1976.

- میرزا ۱۵۵۷/۹۶۴ م مکتب تبریز، ۳۴۵×۲۳۴ مم.
- "نخستین دیدار لیلی و مجنون"، هفت اورنگ ابراهیم میرزا، ۱۵۶۵/۹۷۲ م، مکتب تبریز، ۳۴۵×۲۳۴ مم.
- "معراج حضرت رسول اکرم (ص)" هفت اورنگ ابراهیم میرزا، ۱۵۵۶-۶۵/۹۶۳-۷۲، مکتب تبریز، ۳۴۵×۲۳۴ مم.
- برگگی از دفتر اول "سلسله الذهب" هفت اورنگ ابراهیم میرزا، به خط نستعلیق، راقمه: مالک دلیلی ۱۵۵۶/۹۶۳ مم.
- از مجموعه داستان‌های "سلسله الذهب"، هفت اورنگ ابراهیم میرزا، "جوان و درویش در حمام"، ۳۴۵×۲۳۴ مم، مکتب تبریز، ۷۲-۹۶۳ ه.ق.
- "مجلس بزم حضرت یوسف (ع)"، هفت اورنگ ابراهیم میرزا، ۱۵۵۶-۶۵/۹۶۳-۷۲، مکتب تبریز، ۳۴۵×۲۳۴ مم.

پس از قتل ابراهیم میرزا به دست اسماعیل دوم، همسرش، گوهر سلطان خانم، از شدت تألم برخی از مرقعات را با آب شست و از میان برد. ولی خوشبختانه و به احتمال زیاد، پیش از این تاریخ، هفت اورنگ، در دیگر کتابخانه‌های سلطنتی جای گرفته بود. شاه عباس اول بسیاری از متعلقات دربار صفوی را وقف آستانه مقدس حضرت امام رضا (ع) در مشهد و آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در اردبیل نمود. در مورد کتاب‌ها شاه عباس فرمان داد که کلیه قرآن‌ها و کتاب‌هایی که به زبان عربی نگارش شده است با آستانه مقدس حضرت امام رضا (ع) و کلیه مرقعات و کتاب‌های فارسی به آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی ارسال شود. اغلب مهرهای هفت اورنگ، در مجموعه فریر، در واشنگتن دی. سی. توسط دست مرموزی، در زمانی نامعلوم، پاک شده است. ولی در یکی از صفحات دفتر اول "سلسله الذهب"، مهر مشخصی از شاه عباس اول با تاریخ ۱۰۱۷ ه.ق. مشاهده می‌شود که نشان از وقف هفت اورنگ به آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است. نیز در وقف‌نامه آمده است:

وقف نموده این کتاب را کلبه آستانه علی ابن ابیطالب علیه السلام عباس الصفوی به آستانه منور شاه صفی علیه الرحمه که هر که خواهد بخواند مشروط بر آنکه از آن آستانه بیرون برد شریک خون امام حسین علیه السلام بوده باشد ۱۰۱۷

هفت اورنگ سال‌های زیادی در آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی باقی نماند. با در نظر گرفتن مهرهای روی برخی از نسخ هفت اورنگ، پس از بیست سال، این مجموعه در دربار امپراتور مغولی هند، شاه جهان (۶۸- ۱۰۳۷ / ۵۷- ۱۶۲۸) دیده شده است. پس از آن دیگر اطلاع مستندی از سرنوشت هفت اورنگ در دست نیست تا اینکه به دست مجموعه‌دار آمریکایی فریر افتاد و او در مجموعه خود، در موسسه